



پیام دوستی و محبت به جوانان عزیز بمناسبت برگزاری روز جهانی جوانان

یا راهبه کردند. فعالیت «روز جهانی جوانان» این حقیقت را ثابت و آشکار می سازد که یک جوان عاقل و خردمند که برای زندگی ارزش قائل است نمی تواند خود را با یک فرهنگ مادی و خالی از ارزشهای روحانی و معنوی و اخلاقی تطبیق دهد، چون چنین فرهنگی جوانها را بسوی گمراهی و پشیمانی و نابودی سوق میدهد. متأسفانه کم نیستند جوانانی که پس از اینکه تسلیم شهوات خود شدند و طعم لذتهای جسمانی و دنیوی را چشیدند سر انجام دست به خودکشی زدند. تجربیات تلخ این جوانان ناکام اعلامگر این پیام است: تا زمانیکه انسان می خواهد بدون خدا زندگی کند و پایبند ارزشهای معنوی و اخلاقی و مذهبی نباشد و فقط دنبال ارضای خواسته های جسمانی است از آرامش و صفای درونی محروم می ماند. آرامش و سعادت حقیقی با پول و ثروت و لذتهای زودگذر بدست نمی آید، بلکه از راه ایمان به خدا و عمل کردن بر طبق تعالیم او.

پولس رسول خطاب به مسیحیان شهر تسالونیکه و امروز به ما می فرماید: "خواست خدا این است که شما پاک باشید و از روابط جنسی نامشروع بپرهیزید. همه شما باید بدانید چگونه بدن خود را همیشه تحت کنترل داشته باشید و آن را پاک و محترم نگاه دارید و مانند ملتتهای خدا ناشناس دستخوش امیال و شهوات جسمانی نگردید. خدا ما را به یک زندگی پاک خوانده است نه به فساد اخلاقی." (رساله اول به تسالونیکیان باب ۴ آیه ۳-۷)

دوستان گرامی: «سال رحمت» شاهد برگزاری «روز جهانی جوانان» می باشد که در مرداد ماه آینده در شهر کراکوی لهستان برگزار می گردد. سنت برگزاری این مراسم توسط پاپ قدیس ژان پل دوم که برای نقش جوانان در کلیسا اهمیت زیادی قائل بود پی ریزی شد. اما انگیزه اصلی این فعالیت جهانی آگاه ساختن جوانان مسیحی از مسئولیتی که دارند نسبت به انجام رسالت تبشیری کلیسا می باشد. موضوع مورد بحث و تعمق روز جهانی جوانان امسال «موعظه سر کوه» که عبارت است از سخنان مسیح درباره مژده های سعادت می باشد. (رجوع کنید به انجیل متی باب ۵).

در طول ایام برگزاری مراسم میلیونها جوانان مسیحی از پنج قاره جهان در کشور لهستان گرد هم خواهند آمد و در این سخنان مسیح تأمل و تعمق خواهند کرد. برای انجام این کار بسیار با ارزش و مقدس از حضور پاپ فرانسیس و صدها اسقف کلیسای کاتولیک کمک خواهند گرفت.

تجربه چندین سال گذشته نشان داد که برگزاری این مراسم منشأ یک تحول بسیار زیبا و اعجاب انگیز در زندگی تعداد زیادی از جوانان مسیحی گردید. آنها از راه دعای دسته جمعی و تعمق در کلام خدا و استفاده کردن از فیض راز اعتراف و قربانی مقدس تجربیات روحانی بسیار امید بخش و شادی آور را بدست آوردند و بعضی ها در اثر این تجربیات که ثمره ملاقات ایشان با شخص مسیح زنده بود زندگی خود را وقف کلیسا بعنوان کشیش

دوستان گرمی : دوران جوانی یک عطیه ای است از جانب خدا و نباید آنرا نادیده گرفت و یا تلف کرد. شکی نیست مقطع سنی جوانی آمیخته با امیدها و نگرانیها است . یک جوان با آرزوهای زیاد زندگی میکند ، آرزوی موفق شدن در تحصیلاتش ، آرزوی پیدا کردن یک شغل مناسب ، آرزوی تشکیل خانواده و غیره . تا اینکه فرد جوان بتواند به آرزوهایش تحقق بخشد و نگرانیهای زندگی او را به ناامیدی و یأس نکشانند باید دارای باورهای عمیق و محکم باشد. جوانان مسیحی می توانند از راه تعمق در کشف اراده خدا و گوش دادن به سخنانش به آرزوهای پاکشان برسند . عیسی مسیح که کلمه خدای جسم گرفته و انسان شده می باشد صریحاً می فرماید: "دلهای شما مضطرب نشود ، به خدا ایمان داشته باشید ، بمن نیز ایمان داشته باشید. من راه راستی و حیات هستم ." (انجیل یوحنا باب ۱۴ آیه ۱ و ۶) . امروزه دو خطر زندگی انسان و مخصوصاً جوانان را تهدید میکند ، یکی ترس و اضطراب و دومی انحراف و گمراهی است . برای نجات از این دو تا خطر مرگ آور بسوی عیسی که حقانیت رسالتش را با مرگ و رستاخیزش به ثبوت رسانید بشتابیم. اوست آن دوست امین و وفادار که به قولش عمل میکند و هرگز از اظهار محبتش به ما خسته نمی شود. شادی عیسی در این است که جوانان محبت او را بپذیرند. او فرمودند : "همچنانکه پدر مرا محبت نمود ، من نیز شما را محبت نمودم ، در محبت من بمانید. اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند ، چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم . این را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد." (انجیل یوحنا باب ۱۵ آیه ۹-۱۱) . طبق این آیات باید گفت : مهمترین باوری که جوانان مسیحی باید داشته باشند عبارت است از : ایمان داشتن به اینکه تنها راه تبعیت از مسیح و ماندن در اوست که دست یافتن به شادی حقیقی و کاملی را امکان پذیر میسازد. او به هر جوان میگوید : "من پشت در ایستاده ام در را میکوبم اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند وارد میشوم و با او شام خواهیم خورد و او نیز با من" (کتاب مکاشفه باب ۳ آیه ۲۰) .

جوانان عزیز : از روح القدس که سرچشمه شادی و محبت است و روز تعمیدتان بر شما نازل شد بخواهید تا درب قلب جوانتان بر روی عیسی مسیح ، این مهمان دوست داشتنی هر چه زودتر باز شود تا آنرا از عشق پاک و پایدار و پر بار او مملو کند و آنوقت شما نیز آتش این عشق مقدس و نور بخش را به دوستان جوانتان برسانید. اکنون شما را دعوت میکنم تا به سخنان یوحنا که جوانترین شاگردان مسیح بود گوش فرا دهید و در آنها تأمل و تفکر کنید : "ای جوانان به شما نوشته ام زیرا نیرومند هستید و کلام خدا در شما است و شما بر شیطان پیروز شده اید. به دنیا و آنچه به آن تعلق دارد دل نبندید، کسیکه دنیا را دوست دارد محبت خدای پدر در او نیست. هر آنچه به جهان تعلق دارد یعنی آنچه نفس اماره آرزو میکند و آنچه چشم می بیند و طلب میکند و آنچه مایه فخر و غرور است از پدر نیست . اینها همه به دنیا تعلق دارند . جهان تمایلات دنیوی از بین خواهند رفت ، اما هر که اراده خدا بجا آورد تا به ابد خواهد زیست ." (رساله اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۴-۱۷) . امیدوارم که این مقاله باعث دلگرمی شما جوانان عزیز باشد و خدا را برای زندگی جوانتان شکر و سپاس گوئید.

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

زندگی با روح القدس

رومیان ۱/۸-۱۷

عهد جدید توسط مسیح با ما بسته شد و در پی آن روح القدس در ما فعال گشت. بعد از آمدن مسیح همه چیز نظم جدیدی گرفت؛ آدمیان نیز آزادی و نجات را یافتند تا قلب خود را به روی روح القدس بگشایند و روح در ایشان کار کند. نجات از خدا می آید و عدالت از کار روح القدس در هر یک از ما.

ذات و نوع کار روح القدس در ما همواره یکی بوده است: "محبت".

"محبت" یک قانون نیست بلکه روش اخلاقی است. محبت، قدرت آزادی است که به آزاد کردن می انجامد. هر که تحت عمل روح خدا یعنی محبت زندگی کند، از هر شریعتی آزاد است. چنین شخصی با قوت گرفتن از محبت الهی، برحسب اراده خدا عمل میکند. میتوان تأیید نمود که تدریجاً زندگی شخص مسیحی در یک کلمه خلاصه می شود: "محبت".

هر که برآستی بر حسب عدالت خدا زندگی کند، نیازی به شریعت ندارد. محرک او محبت است و در نتیجه کارهای او نیکوست. زندگی کردن با نیروی روح القدس که در ما ساکن است، ایده آل مسیحیت است و باید برای رسیدن به آن کوشش روزانه نمود. این کار بدون مبارزه مقدور نیست. هنوز به "آدم کهنه" بسیار وابسته ایم و به همین دلیل گناه در زندگی ما جا دارد. در ضمن باید بپذیریم که هنوز نیاز به روشهایی داریم که باید از آنها پیروی کرد. شخص احتیاج به اشارات و هدایتهایی دارد که به او نشان دهند کجاست نیکی و اینکه چطور با قوت روح خدا از آن پیروی کند.

لازم است که روشهای مذکور به او نشان دهند که خطر در کجا کمین کرده. ارزش هر روش و یا هدایتی برای زندگی مسیحی بسته به این است که آیا او در جهت رسیدن به مقصد یعنی رسیدن به عیسی مسیح، کمک میکند یا خیر. هر روش و یا قانونی که در مسیحیت به کار گرفته شود، باید انعکاسی از کار روح القدس در ایماندار باشد. در غیر اینصورت نمیتوان آن را یک روش مسیحی خواند.

رعایت روش و یا قانون، هدف یک فرد مسیحی نیست. بنابراین هنگام رعایت قانون باید ایماندار متوجه و مراقب باشد که آیا از این راه توسط روح خدا هدایت می شود یا نه؟

برای شخص کافی نیست که "نیک" بنظر رسد؛ چون فقط در صورتی که توسط روح خدا هدایت شویم، آزاد هستیم. یعنی اگر دست به کار نادرست و یا بد نمی زنیم به دلیل ممنوعیت آن کار نیست، بلکه چون بد است. در اینصورت شخص برده نیست. او میتواند بدون مانع و با قلبی آزاد خدا را پدر ندا کند و انسانها برایش همخون، یعنی برادر محسوب شوند. میتواند با عشق و لذت تمام، دعای ای پدر ما را به زبان آرد. زیرا این دعا ما را به محبت هدایت میکند که مرزی ندارد. انسان به نجات میرسد وقتی خدا را پدر می داند و خودش را فرزند او.

نجات برای همه و همه آفرینش

رومیان ۱۸/۸-۳۰

کاملاً بدست نیاورده ایم. با این وجود اطمینان داریم که خواهد رسید. به همین دلیل باید فعالانه بسوی آن در حرکت باشیم. و بعنوان بیعانه نویر روح القدس به ما عطا شد که بخشی از کمال نجات آتی است.

با اعمال روح القدس در هر یک از ما، تا حدی میتوانیم لذت زندگی نوین را که از سوی مسیح عطا شده، دریابیم. همین برای ما ضمانت اجرایی فرا رسیدن کمال نجات در آینده است. ما هنوز در قید جسم ضعیف و میرا هستیم و به همین دلیل همراه با آفرینش ناله میکنیم زیرا "آشتی عالم هستی" هنوز بانجام خود نرسیده و راه درازی در پیش است.

اما چه چیز در ما امیدآوری میدهد که نهایتاً تاریخ به آشتی ختم می شود؟ پولس شک ندارد. او می بیند که همه وقایع، بد یا خوب، نهایتاً به نفع "خدا دوستان" ختم می شوند. خوش بینی پولس رسول ناشی از آن نیست که قوانین تکاملی عالم به کمال هماهنگی ختم میشوند، بلکه خدا هادی تاریخ و طبیعت بر حسب نقشه نجات است؛ و اینکه بخاطر محبتش ما را برای یافتن آن تعیین کرده و در پسرش رستاخیز میدهد. به همین دلیل شخص مسیحی با ایمان به محبت خدا که در پسرش نمایان گشت، مشتاقانه واقعیت حیات فعلی را میپذیرد که گاهی جز تاریکی و زحمت و فشار و عذاب نیست.

نقشه نجاتی که خدا برای آفرینش داشت، شامل از هم گسستگی و نادرستی و شکست نبود. اما آدم گناه کرد و با گناه بی نظمی و ترس وارد آفرینش شدند. آدم حاکم آفرینش شد اما نتوانست در عین حال حاکم بر آن و زیر نظر آفریننده بماند.

بعد از گناه سایر آفریده ها از انسان ترسیدند و دشمن او شدند. نقشه نجات از سوی خدا برای تمامی عالم بود. سرنوشت عالم بسته به سرنوشت آدم شد. در کتابمقدس انسان و طبیعت بشدت به هم وابسته اند. اما گناه با خود عدم تفاهم آورد. گناه آدم باعث شد که تمامی آفرینش آسیب ببیند.

با این وجود خدا وعده آشتی عالم را میدهد. اشعیاء نبی آن را اعلام میکند و مسیح موعود آن را ممکن میسازد. پولس رسول این حقایق را ثبت میکند. طبیعت که در شکست انسان شریک شده بود، اکنون با او در پیروزی مسیح شریک می شود. آفرینش که بخاطر گناه آدم دچار سقوط شد، اکنون شراکت در شکوه انسان را در انتظار است.

آنوقت که انسان حاکمیت خود را بر آفرینش، با اطاعت آزادانه از آفریدگار اعمال کند، او بر حسب عدالت عمل کرده و خدا را خواهد شناخت. آنوقت صلحی که اشعیاء اعلام کرده بود، نمایان خواهد شد: نظم و هماهنگی جهان برقرار خواهد شد و آزادی تمامی آفرینش بانجام خواهد رسید.

آنچه که پولس در این مبحث به قلم آورده، میوه یک تعمق و تأمل بر حسب ایمان است و نه یک مبحث فلسفی. امید ما به این آشتی عالمگیر از ایمان نشأت میگیرد. رستاخیز مسیح ضامن آن است. اما هنوز آن را

فهم و حکمت در عصاره زندگی

جناب آقای اسقف برنینی بنظر شما در کجا "فهم" خودش را نشان میدهد؟

"فهم" تعهد زیستن در صلح و هماهنگی در مقام اول با خویشتن و بعد با اطرافیان و کلاً با همه می باشد. و آن در جاده زندگی متولد شده، رشد میکند؛ البته در صورتی که این راه را در نور منطق و با گرمای قلبمان طی کنیم. ناگفته نماند که فهم میتواند میوه اخلاق و شخصیت ما باشد. تربیت خانوادگی در کسب آن بسیار مؤثر است و البته بعداً مدرسه و اجتماع. نباید نادیده بگیریم که بعنوان محصول یک خانواده و یک اجتماع، و موجوداتی که بحث و تبادل نظر دارند، وارث خلوق و فرهنگی هستیم که از والدین و نیاکان خود داریم. بنابراین فهم و شعور با زندگی و در جمع رشد میکند.

اگر بیاموزیم متعهد، در فضای فرهنگی مان رشد کنیم و از سوی دیگر با طبیعت آشنا شویم و با آن بزرگ شویم آنوقت در تمام مراحل زندگی ما متوجه تحولات اجتماع خواهیم بود، و همین سیر باعث می شوند تا به همدیگر فهم و شعور را منتقل کنیم.

شما به ما توضیح دادید که "فهم" چیست و اما چطور میتوان آن را ابراز کرد؟

قبل از هر چیز با رشد کردن در فهم و نه اینکه "فهمیده" بنظر برسیم. وقتی میتوانیم اول "بشنویم"، اگر بلد باشیم "صحبت کنیم" و در صورت نیاز "در خدمت باشیم"، اینها همه گواه بر آن هستند که برآستی بر جاده فهم و شعور حرکت میکنیم. ابزار ما میتواند طرز صحبت کردن و نوشتن ما باشد، مخصوصاً که امروز ارتباطات ما از طریق اینترنت محتاج به همین ابزار میباشد. و دقیقاً از طریق امکانات و قدرتهایی که از راه مفاهیم در اختیار داریم باید سعی کرد تا به شکل انسانی تر و شایسته تر زندگی کنیم. باید نطفه آن را در ذهنمان تولید کنیم و به عمل بیاوریم. این اصطلاح "نطفه این فکر را در ذهن تولید کردن" بسیار زیبا است. چون فقط نطفه یک موجود زنده بسته نمی شود، بلکه میتوانیم به یک فکر و یا یک احساس حیات ببخشیم. حضرت اگوستین در زمینه ارتباط عمیق میگفت: "قبل از اینکه با تو حرف بزنم در ذهن فکری دارم. آن را با تو در میان میگذارم و تو آن را میپذیری. بعد با هم راجع به آن بحث میکنیم. بعد از بحث تو چیز تازه ای یاد گرفته ای و من هم نه تنها چیزی از دست نداده ام، بلکه تو به من یاد میدهی که عمیق تر و بهتر بتوانم آنچه با تو در میان گذاشته ام، دریابم. در حقیقت با هم به فکر جدیدی زندگی بخشیده ام. وقتی از هم جدا می شویم همان آدمهای قبلی نیستیم چون آنچه با هم زاییده ام بر آینده ما بی تأثیر نیست."

فهم را قبل از هر چیز باید کسب کنیم و بعد آن را مثل یک هدیه به اطرافیانمان بدهیم. زیرا زندگی به آن وابسته است و زندگی خود یک هدیه است.

حالا میخواهم از حکمت با شما صحبت کنم. فهم و حکمت از نظر معنی به هم نزدیک هستند ولی مترادف نیستند. فهم همه چیز را جمع میکند و بر آن می اندیشد و حاصل آن را در دل نگه میدارد. و اما حکمت محصول فهمیدنهاست! با حکمت میتوان وارد موقوله شناختن خدا شد. با وجود اینکه رابطه خالق و مخلوق است اما مخلوق قادر می شود به خالقش نزدیک شود، او را بفهمد و به او عشق بورزد. به این ترتیب وارد جهان یافتن و دریافتن میشویم. هنگامی که وارد جهان حکمت می شویم آنچه که به دیگران از درونمان منتقل میکنیم با خود ابتکار و نیکویی و زیبایی میآفریند. در این مرحله میتوانید مطمئن باشید که هر روز با روز قبل فرق میکنیم. یعنی هر بار بهتر به پیش میرویم. وقتی وارد حکمت انجیلی می شویم به این جا میرسیم که زیباترین هدیه ای که میتوانیم بدهیم خویشتن خویش است. تقدیم زندگی بالاترین عمل نیروی محبت در درون انسان است. عیسی مصلوب با خود همین پیام را اعلام میکند. خدا انسان شد تا بالاترین هدیه را تقدیم کند: خویشتن خویش را. اما این تقدیم برای "کنندگان بدی" نیز بود، یعنی برای آنانی که مصلوبش کرده بودند. عیسی گفت: من برای عادلان نیامده ام بلکه برای گناهکاران. عیسی همچنین میگوید: محبتی بزرگتر از آن نیست که کسی جان خود را در راه دیگری بدهد. خلاصه: بالاترین حکمت این است که آنچه هدیه داده شد، پس گرفته نمی شود. حکیم میداند که ذره ای از آنچه هدیه شد (از خویشتن خویش) به هدر نخواهد رفت بلکه در دل خدا جا گرفته است. حکمت روز به روز بنا میکند. حکیم بودن یعنی تقدیم آنچه هستیم.

چطور به زندگیمان معنی بدهیم؟

باید ایمان داشته باشیم به : ۱- هوشیار بودن ۲- به کار گرفتن عقل ۳- به کار گرفتن منطق ۴- مسئول بودن ۵- عشق و محبت ورزیدن.

در زندگی باید هوشیار بود نسبت به آنچه در اطراف من هست و رخ میدهد. هوشیار نسبت به واقعیات و افراد. عقل به ما کمک میکند که از لای خطوط وقایع، پیام آنها را دریابیم. منطق به ما می آموزد که گذشته و حال و آینده را در کنار هم قرار دهیم. کسی که "مسئول" زندگی میکند به اتفاقات جهان توجه دارد، به آنچه بشر دچار است دقت میکند و به ساختن تاریخ اقدام میکند. عاشق بودن و محبت ورزیدن با همراهی شرایط بالا از آدم یک "انسان" میسازد، بدون آنکه احمق باشد.

چه پیامی برای جوانان دارید؟

با حضرت اگوستین همصدا می شوم و میگوم: گذشته، گذشت. آینده هنوز نیامده. فقط حال در اختیار ما است؛ پس مسئول آن باشیم. خوب زندگی کنیم. زمان حال را در ارتباط با گذشته، مسئولانه زندگی کنیم تا افسار آینده را بدست بگیریم. تلاش کنیم تا ۱۰۰ سالگیمان پروژه داشته باشیم. آنچه در هر یک از ما است گنجینه ای برای تقدیم است.

چند مرتبه باید مردم را بخشید؟

- بعد از خودم می پرسم -

این سئوالی است ، که چند بار باید ببخشم؟

چند مرتبه من دیگران را رنجاندم؟

چند مرتبه باید کسی که غیبت مرا کرده ببخشم؟

چند مرتبه من قلب دیگران را شکسته ام؟

خود را از دیگران برتر دانستم؟

آدم موذی را ، رئیس بد اخلاق ، همکارم را که

رقیب من است ، برادر ، خواهر ، همسر عصبانی ،

فرزند ستیزه جویم را چند بار ببخشم؟

چند مرتبه نسبت به دیگران احساس نفرت کردم

و چند مرتبه از ناراحتی دیگران احساس شادی

کردم.

مادر را بخاطر کارهایی که می توانست برایم

انجام دهد ولی نداد.

مرا بخاطر زمانهایی که نبخشیدم ، مرا بخاطر

زمانهایی که نیمه کاره و یا خودخواهانه بخشیدم

ببخش.

پدر را برای حرفهایی که زد.

حساب بی محبتی های مردم را از بدو تولدم تا

حالا و لیست طولانی کسانی را که قلب مرا

به من یاد بده ، آنطور ببخشم که تو مرا بخشیدی ،

نه فقط یکبار ، بلکه هفتاد مرتبه ، هفت بار.

شکسته اند چند بار باید ببخشم؟

من هستم ، برای نا امیدان ، امید

برای گناهکاران ، بخشش

برای جویندگان ، حقیقت

برای بیماران ، شفا

برای گمشدگان ، نجات

برای مضطربان ، آرامش

برای طردشدگان ، پناهگاه

برای اسیران ، آزادی

برای کوبیدگان ، قوت

برای ماتمیان ، شادی

من هستم ، آرامش ، نجات ، شادی ، حقیقت ، شفا ، آزادی ، پناهگاه ، قوت ، امید ، بخشش

اخبار و تقویم کلیسای

- جمعه ۱۱ تیر ۹۵ = ۱ جولای ۲۰۱۶، عید حضرت پطرس و پولس نماز قربانی مقدس در کلیسای حضرت یوسف ساعت ۱۰ صبح برگزار می گردد.

کارهای رسولان فصل ۹ آیه ۳۲-۴۲

رساله: دوم قرنتیان فصل ۱۱ آیه ۲۱-۳۳

انجیل: متی فصل ۱۶ آیه ۱۳-۱۹

- یکشنبه ۱۳ تیر ۹۵ = ۳ جولای ۲۰۱۶، یکشنبه اول تابستان و عید حضرت توما و عید نوسرده

کارهای رسولان فصل ۵ آیه ۱۲-۳۲

رساله: اول قرنتیان فصل ۴ آیه ۹-۱۶ و دوم قرنتیان فصل ۱ آیه ۸-۱۴

انجیل: لوقا فصل ۱۴ آیه ۱-۱۴

- یکشنبه ۲۰ تیر ۹۵ = ۱۰ جولای ۲۰۱۶، یکشنبه دوم تابستان

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳ آیه ۱۶ الی فصل ۴ آیه ۶

رساله: دوم قرنتیان فصل ۳ آیه ۴ الی آخر باب

انجیل: لوقا فصل ۱۵ آیه ۴ الی آخر باب

- یکشنبه ۲۷ تیر ۹۵ = ۱۷ جولای ۲۰۱۶، یکشنبه سوم تابستان

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۵ آیه ۱-۷

رساله: دوم قرنتیان فصل ۷ آیه ۱-۱۱

انجیل: یوحنا فصل ۹ آیه ۱-۳۸

- یکشنبه ۳ مرداد ۹۵ = ۲۴ جولای ۲۰۱۶، یکشنبه چهارم تابستان.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۹ آیه ۸-۲۱

رساله: دوم قرنتیان فصل ۱۰ آیه ۱ الی آخر باب

انجیل: مرقس فصل ۷ آیه ۱-۲۳

- یکشنبه ۱۱ مرداد ۹۵ = ۳۱ جولای ۲۰۱۶، یکشنبه پنجم تابستان.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۲۸ آیه ۱۴-۲۲

رساله: دوم قرنتیان فصل ۱۲ آیه ۱۴ الی آخر باب

انجیل: لوقا فصل ۱۶ آیه ۱۹ الی فصل ۱۷ آیه ۱۰